

آموزش و پرورش تطبیقی

لوتان کوی

ترجمه

دکتر محمد یمنی دوزی سرخابی

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار مترجم برای چاپ سوم
۷	مقدمه مترجم
۱۱	سخنی از مؤلف برای ترجمه فارسی
۱۳	مقدمه
۱۳	مفهوم آموزش و پرورش تطبیقی
۱۴	سیر تکامل آموزش و پرورش تطبیقی
۱۸	آیا آموزش و پرورش تطبیقی یک علم است؟ عینیت و قطعیت در علوم اجتماعی (۱۹)، خطای تجربه گرایی (۲۶)، ایدئولوژی (۲۹)، قوم‌گری (۳۱)، پیش‌بینی (۳۹).
۴۰	مراحل تحقیق شناخت مسئله (۴۲)، طرح فرضیه یا پرسش (۴۳)، مشاهده رویدادها (۴۷)، بررسی فرضیه (۴۸)، تعمیم (۵۳).
۵۵	محل تلاقی رشته‌ها علوم فرایند آموزشی (۵۶)، علمی که شرایط و آثار آموزش و پرورش را مطالعه می‌کنند (۶۰).
بخش اول: موضوع آموزش و پرورش تطبیقی	
۶۷	فصل اول: قلمرو آموزش و پرورش تطبیقی
۶۸	غایتها، اهداف و مقاصد
۷۲	سازماندهی اداری
۷۳	ساختارهای آموزشی

صفحه	عنوان
۷۸	محتوای آموزشی
۸۳	روشها و فنون
۹۱	نقش آفرینان آموزش
	ارتباط آموزشی (۹۱)، معلمان (۹۳)، فراگیران (۹۶).
۱۰۱	فصل دوم: واحدهای مقایسه
۱۰۲	مقایسه بین ملتها
	مقایسه بین کشورها (۱۰۴)، مقایسه نمونه‌های ملی (۱۱۰).
۱۱۲	مقایسه درون ملتی
	انتخاب واحد مقایسه (۱۱۲)، اندازه‌گیری نابرابریها (۱۱۷)، تفسیر نابرابریها (۱۱۹).
۱۲۶	مقایسه فراملتی
	مقایسه بین فرهنگی (۱۲۶)، کشورهای توسعه یافته - کشورهای در حال توسعه (۱۲۸)، مناطق بزرگ (۱۲۹)، کشورهای سرمایه‌داری - کشورهای سوسیالیستی (۱۳۲).
۱۳۵	فصل سوم: طبیعت مقایسه
۱۳۵	توصیف
	شناسایی یک پدیده (۱۳۶)، تجزیه تحلیل اجزاء یک پدیده (۱۳۷)، برقراری ارتباط با کل جامعه (۱۳۹).
۱۴۲	طبقه‌بندی
	طبقه‌بندی (۱۴۳)، نوع‌شناسی (۱۴۵).
۱۵۰	ارزشیابی
	مفهوم ارزشیابی (۱۵۰)، انواع ارزشیابی (۱۵۳)، تحقیقات در زمینه ارزشیابی (۱۵۷).
۱۶۳	توضیح
	توضیحات دروغین (۱۶۴)، آشکال توضیح (۱۶۸).
۱۷۵	فصل چهارم: ایستایی و پویایی
۱۷۷	نظامهای تربیتی
	تأثیر جامعه بر آموزش و پرورش (۱۸۳)، تأثیر آموزش و پرورش بر جامعه (۱۹۵).
۱۹۹	تغییرات تربیتی
	تغییرات نظام (۲۰۰)، تغییرات در نظام (۲۰۴).

صفحه	عنوان
۲۲۵	فصل پنجم: شناخت و عمل
۲۲۶	شناخت
	عینیتهای دروغین (۲۲۶)، فرهنگ خاص خود را بهتر بشناسیم (۲۲۹)، شناخت بهتر دیگران (۲۳۱).
۲۳۵	عمل
	آموزش به منظور درک فرهنگهای مختلف (۲۳۷)، تحرک بین المللی (۲۴۲)، پیش بینی و برنامه ریزی (۲۴۹).
بخش دوم: روشها و فنون	
۲۶۱	فصل ششم: جمع آوری دادهها
۲۶۱	انواع اطلاع رسانی
	اسناد رسمی (۲۶۲)، اسناد غیر رسمی (۲۶۷).
۲۷۲	مقایسه پذیری بین المللی مدارک
	مقایسه پذیری تعاریف (۲۷۲)، مقایسه پذیری معانی (۲۷۶).
۲۷۷	ساخت دادهها
	فنون جمع آوری دادهها (۲۷۸)، مقایسه پذیری جمعیتها (۲۸۲)، مقایسه پذیری پرسشها (۲۸۵).
۲۹۴	سیستمهای طبقه بندی قاعده دار
	اهداف طبقه بندی بین المللی (۲۹۵)، تعاریف (۲۹۶)، طبقه بندی آموزش و پرورش (۲۹۷)، طبقه بندی مالی (۳۰۲).
۳۰۷	سیستمهای اطلاعاتی
	سیستمهای ملی اطلاعات (۳۰۷)، سیستمهای بین المللی اطلاعات (۳۱۰).
۳۱۳	فصل هفتم: روشهای آماری و ریاضی
۳۱۴	نمایش دادهها
	نمایش به کمک جدول (۳۱۴)، نمایش تصویری (۳۱۵).
۳۲۹	توصیف آماری
	کل و درصد (۳۳۰)، پارامترهای وضعی (۳۳۲)، پارامترهای پراکندگی (۳۳۳)، تأثیر روشهای اندازه گیری بر نتایج (۳۳۸)، نشانهها (۳۳۹).
۳۴۰	طبقه بندی

صفحه	عنوان
	انتخاب شاخصها (۳۴۳)، روشهای گروه‌بندی (۳۴۵)، یک نوع‌شناسی از کشورهای افریقایی از طریق تحلیل عاملی (۳۴۸).
۳۵۱	ارزشیابی تحلیل هزینه - سود از نوع فردی (۳۵۲)، تحلیل کاربردی هزینه - سود در تولید (۳۵۵)، تحلیل هزینه - کارایی (۳۶۱).
۳۶۳	توضیح روش تجزیه متوالی (۳۶۳)، روش مقایسه تغییرات (۳۶۶)، روش همبستگی (۳۷۰)، تحلیل رگرسیون (۳۷۲)، پیش‌بینی (۳۸۰).
۳۸۲	فصل هشتم: روشهای تحلیل کیفی و کمی
۳۸۳	تحلیل محتوا تاریخچه (۳۸۳)، تعریف (۳۸۴)، کاربردهای تحلیل محتوا (۳۸۵)، مراحل تحلیل محتوا (۳۹۳)، فنون و نظریه (۴۰۳).
۴۰۹	رویکرد نظام‌گرا مفاهیم عمومی (۴۰۹)، نظام و محیط (۴۱۳)، ساختار درونی نظامها (۴۱۶)، تحلیل نظام‌گرا در آموزش و پرورش تطبیقی (۴۲۱)، دامنه و حدود رویکرد نظام‌گرا (۴۲۷).
۴۳۲	دیالکتیک تاریخ دیالکتیک (۴۳۲)، قوانین دیالکتیک (۴۳۹)، دیالکتیک، ماتریالیسم و تاریخ (۴۵۰).
۴۶۰	کتابنامه
۴۶۷	واژه‌نامه
۴۷۲	فهرست نامها

پیشگفتار مترجم برای چاپ سوم

آموزش و پرورش تطبیقی در شناخت نظامهای آموزشی و بهبود عملکرد آنها نقش انکارناپذیری دارد. در این راستا نظریه‌ها و رویکردهای متنوعی مطرح‌اند: ^۱ نظریه هم‌گرایی ^۲ نظامهای آموزشی، نظریه کارکردگرایی ساختاری ^۳، نظریه سرمایه فرهنگی، ^۴ نظریه بازتولید، ^۵ کاربرد نظریه مارکسیستی در آموزش و پرورش، نظریه وابستگی، نظریه مدرنیزاسیون، نظریه مشروعیت‌بخشی ^۶، نظریه سرمایه انسانی و... این نظریه‌ها با استفاده از رویکردهای مختلفی در آموزش و پرورش تطبیقی مطالعه می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: رویکرد تاریخی - فلسفی، رویکرد منش ملی ^۷، رویکرد فرهنگ‌گرا، رویکرد زمینه‌ای، رویکرد حل مسائل، رویکرد کمی، رویکرد اقتصادی و رویکرد علوم اجتماعی. پروفیسور لوتان کوی در مقدمه و دو بخش کتاب خود با رویکرد انتقادی خاصی به بررسی آنها پرداخته است.

در خصوص روش آموزش و پرورش تطبیقی همان‌طور که در کتاب آمده است، این علم هنوز روش خاص خود را ندارد و به تناسب از روشها و فنون مختلف استفاده می‌کند. آندروسکی جامعه‌شناس انگلیسی محققین را در دو دسته قرار می‌دهد: «آنهايي که می‌توانند اکتشاف کنند و آنهايي که تنها خود را تسلیم کاربرد روش می‌کنند. تاریخ علوم طبیعی (که می‌توان آن را در مورد تاریخ آموزش و

1. Halls, W. D., "Tendances et problèmes de l'éducation comparée, in *L'éducation comparée, question et Tendances contemporains*, Unesco, Paris 1990, pp. 19-46.

2. convergences
3. fonctionnalisme structurel
4. capital culturel
5. reproduction
6. légitimité
7. caractère national

پرورش تطبیقی نیز بیان کرد) ثابت می‌کند که هیچ پیشرفتی توسط افرادی که تلاش می‌کنند تا چهارچوبهای نظری را کاربردی کنند به وجود نیامده است: آنهایی که اکتشافهای بزرگی انجام داده‌اند به دنبال این بودند که چگونه و چرا پدیده‌ها به وجود می‌آیند و برای پاسخ به آنها به هر فکر یا فن مفیدی که می‌شناختند متوسل می‌شدند... [شیوه دیگر عمل کردن] به‌سان این است که گاری را جلوتر از گاو قرار دهیم: که همانا یک جنگ لفظی بی‌ثمر است.^۱

هر جا که نظریه‌ها متناسب با زمینه و شرایط وقوع پدیده‌ها آموزشی بودند، اقدامهای کاربردی موفق بودند و هر جا که نظریه‌ها کلیشه‌وار در موقعیت متفاوت از زمینه پیدایش آنها به کار رفته‌اند عموماً در تعارض با شرایط جدید بوده و خلأهای اجتماعی، فرهنگی و علمی به وجود آورده است. کاربرد نظام واحدی در آموزش عالی کشور^۲ و طرح کاد در آموزش و پرورش مثالهایی از چنین ناسازگاریها هستند. آموزش و پرورش تطبیقی، علمی بین‌رشته‌ای است و لازم است نگاه محقق همه‌جانبه‌گر باشد. از طریق بررسی چرایی «شبهات در تفاوتها و تفاوت در شبهاتها»^۳ می‌توان به توانمندیها و کاستیهای سیستمهای آموزشی آگاه بود و مسیر را برای اقدامهای علمی در جهت اصلاح و نوآوری در سیستمهای آموزشی هموار ساخت. نظامهای آموزش تحت تأثیر تغییرات مهمی در صحنه جهانی هستند: موارد ذیل از آن جمله‌اند: جهانی شدن با تناقضهای درونی آن و تأثیری که بر نظامهای آموزشی داشته است، هم‌گرایی بیش از پیش آنها، شکل‌گیری اتحادیه اروپایی و اثرات آن بر ساختارها و کارکردهای نظامهای آموزشی کشورهای مختلف عضو، عمیق‌تر شدن تناقضهای درونی مفهوم جهان سوم و در عین حال توسعه

1. *Op. cit*, p. 39.

۲. طالقانی، تقی‌پور، یمنی: (تحت نظارت دکتر غلامحسین شکوهی)، بررسی نظام آموزش فعلی دانشگاههای کشور و مقایسه آن با نظام آموزش واحدی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۳.

۳. لوتان کوی، آموزش و پرورش: فرهنگها و جوامع، ترجمه دکتر محمد یمنی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۱۱.

فرهنگی - آموزشی برخی از آن کشورها، فعال تر شدن کشورهای شمال افریقا و افریقای جنوبی در تعاملات بین‌المللی آموزشی، مطرح شدن مفهوم شهروندی و تحول اخیر آن در مفهوم جهانی و نقشی که آموزش و پرورش می‌تواند در این مهم داشته باشد، تأثیرات مهم آموزش و پرورش غیررسمی در تربیت نسل جوان، تغییرات و تحولات سریع در فناوری و دنیای کار و کندی تغییرات متناسب با آن در روشها و محتواهای نظامهای آموزشی، اهمیت روزافزون توسعه مهارتها و نقش آموزش و پرورش در این خصوص، نقش بیش از پیش آموزش و پرورش در تسهیل ارتباطات بین‌المللی و صلح جهانی....

چنین وضعیتی نشان از ارتباطات و همبستگی پیچیده فرهنگها و جوامع مختلف و پیچیده شدن واقعیتها و پدیده‌های نظامی آموزشی دارد. بدون مطالعات تطبیقی درک چنین گرایشها و پیچیدگیهایی دشوار است.

جهان تشنه اخلاق، فهم، شکیبایی و صلح، نیازمند شناختهای متقابل فرهنگها و جوامع مختلف از یکدیگر است. مطالعه تطبیقی چه در عرصه ملی (برای درک تفاوتهای فرهنگی، قومی و...) و چه در عرصه بین‌المللی، زمینه توسعه نظری و عملی چنین شناختهایی را تقویت می‌کند.

کتاب آموزش و پرورش تطبیقی، نوشته پروفیسور لوتان کوی، خواننده عمق‌نگر در حوزه مطالعات تطبیقی را به خود جذب می‌کند. علت چیست؟ - کتاب به نظریه‌های مطرح و تأثیرگذار در روند تحول سیستمهای آموزشی پرداخته است و خواننده را با آراء اندیشمندانی نظیر دورکیم، پارسونز، پوپر، بوردیو، مارکس، فروید و... با رویکردی انتقادی آشنا می‌سازد.

- کتاب نقل دیدگاهها را به همراه نقد هر کدام مطرح می‌کند. می‌دانیم که نقد عالمانه، کاری بس دشوار است و در عین حال مولد دانش است. کافی است به نقد دیدگاههای اندیشمندانی نظیر مارکس، پوپر، بوردیو و کومبز که در کتاب حاضر آمده است نگاهی بیفکنیم. بر اساس چنین رویکردی مؤلف واقعیتهای عینی را در کنار نظریه‌ها قرار می‌دهد و اینها را نه صرفاً بر اساس قالب محتوایی آنها بلکه با توجه به نزدیکی و دوری نظریه‌ها با عالم واقع بررسی می‌کند. بر اساس چنین

تحلیلهایی نویسنده آینده‌نگریهای قابل توجهی را ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه در اوج اقتدار شوروی سابق «بازگشت اقتصاد سوسیالیستی را به اقتصاد سرمایه‌داری امری محتمل می‌شمارد» (ص ۱۴۸).

- همان‌طور که اشاره شد نقدها جدا از تحلیل واقعیات نیستند، لوتان کوی به جهت وضعیت علمی (تخصص اولیه‌شان در اقتصاد بوده ولی به عنوان یکی از نظریه‌پردازان آموزش و پرورش تطبیقی معاصر شناخته می‌شود و در عین حال در تحلیلهای هنری، ادبیات، جامعه‌شناسی و تاریخ نیز دارای آثار بدیعی است)، حرفه‌ای (استاد برجسته سوربن) و تجربی (مشاور یونسکو، مدرس دانشگاه سازمان ملل متحد و مسافرت و تحقیق در بیش از چهل کشور از جمله ایران)، شناخت عمیقی از شرایط فرهنگی، تاریخی و آموزشی کشورهای مختلف جهان دارد. در نتیجه نقدها و دیدگاههای او به جهت متصل بودن به واقعیتهای عینی از استحکام بسیاری برخوردارند.

- کتاب آموزش و پرورش تطبیقی از نادر کتابهای این رشته است که تلاش داشته مفهوم روش را مناسب با موضوع مقایسه در ابعاد کمی و کیفی بررسی نماید.

- رویکرد انسان‌گرایانه و نقادانه مؤلف با درک و احترام به تفاوت‌های فرهنگی جوامع به نقد جدی مفاهیم غرب‌گرایانه و نژادگرایانه ختم می‌شود و از این زاویه به نفوذ چنین مفاهیم سوگیرانه در حیطه مطالعات تطبیقی و علوم انسانی به جد هشدار می‌دهد.

- وی همواره بر دیالکتیک نظر و عمل تأکید داشته و بر این باور است که همواره «انسانها هستند که تاریخ خود را می‌سازند حتی اگر همیشه از آن اطلاع نداشته باشند» (ص ۴۳۶).

آنتونیو نووا استاد دانشگاه لیسبون در مقاله مهمی تحت عنوان «الگوهای تحلیل در آموزش و پرورش تطبیقی» به بررسی میدان آموزش و پرورش تطبیقی پرداخته است و آنها را در هفت مقوله مثبت‌گرا، تجددگرا، حل مسئله، انتقادی، سیستمهای جهانی و اجتماعی - تاریخی قرار می‌دهد. این نویسنده دیدگاههای لوتان کوی را در زمره تحلیلهای انتقادی در کنار آراء نویسندگانی چون آلتباخ^۱،

ژینسبورگ^۱، اپل^۲، کلی^۳ و کارنوی^۴ می‌آورد.^۵

لوتان کوی در مدیریت کلاسهای خود نیز چنین رویکرد انتقادی را به زمینه اصلی کلاس تبدیل می‌کرد به طوری که بستر کلاس برای نقد دیدگاههای استاد و نیز موضوعات علمی دیگر مساعد می‌شد و روحیه نقادی و نقدپذیری را ارج می‌گذاشت. می‌دانیم که چنین رویکردی تا چه حد به تنوع آراء در کلاس غنا می‌بخشد و پیچیدگی آن را وسعت می‌دهد. و علم نیز در چنین بستر انتقادی و آزاد برای اندیشیدن توسعه می‌یابد.

مطالعه این کتاب ایجاب می‌کند که دانشجویان با مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با آموزش و پرورش تطبیقی آشنایی و تعمق اولیه داشته باشند و به همین جهت در ابتدای کار ممکن است قدری دشوار به نظر آید. لازم است که دانشجویان از ابتدا ذهن خود را با مباحث پیچیده درگیر کنند. در کنار مطالعه این کتاب، تعمق در حیطه‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه، فرهنگ و دیگر علوم انسانی مهم است. آموزش و پرورش تطبیقی علمی بین رشته‌ای و محل تقاطع علوم مختلف است. همه‌جانبه‌نگری توأم با دقت علمی و روحیه انتقادی از ضروریات وارد شدن در چنین حوزه‌های مطالعاتی است.

با وجود توسعه آموزش و پرورش تطبیقی در کشورهای مختلف، به ویژه پیشرفته صنعتی، هنوز این علم در ایران در مراحل آغازین خود است. تاکنون مرکز تحقیقات فعالی در این رشته به وجود نیامده است. این مهم با مسئولان آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور است که بستر لازم را برای توسعه نظری و عملی این دانش فراهم آورند و زمینه تربیت پژوهشگران تطبیقی را مساعد نمایند. اگر شناخت ما از خود و گذشته عمق یابد، تواناییهای ارتباطی مان نیز با جوامع و فرهنگهای مختلف توسعه می‌یابد. لازم است به ابتکارات فردی و گروهی در این خصوص

1. Ginsburg

2. Apple

3. Kelly

4. Carnoy

5. Antonia Novoa, "Modèles d'analyse en l'éducation comparée", in *les sciences de l'éducation* 23/1995, pp. 8-61.

توجه شود. تجارب موفقیت‌های علمی نیز همواره مؤید این امر بوده است. اگر کتاب قانون ابن سینا، که تا قرن هفدهم میلادی پس از انجیل پرتیراثرترین کتاب در اروپا بود، ترجمه نمی‌شد و عدد صفر با منشأ هندی را خوارزمی در کتاب خود توضیح نمی‌داد و این کتاب در قرن نهم میلادی به لاتین انتشار نمی‌یافت و عمر خیام در قرون یازده و دوازده میلادی جبر را به صورت علم مستقل در نمی‌آورد،^۱ تولید علم در این حیطه‌ها در غرب میسر نمی‌شد. ارتباطات به دور از پیش‌داوری بستر تولید علم را فراهم می‌آورد. تمدن غرب بدون تمدن اسلامی، تمدن اسلامی بدون تمدن ایرانی و تمدن ایرانی بدون تمدن چینی نمی‌توانست شکل بگیرد. آنها در تعامل‌های پیچیده توسعه یافته‌اند.

لوتان کوی در یکی دیگر از کتاب‌هایش می‌نویسد:

از زمانی که دنیای به اصطلاح «توسعه یافته» پس از یک ربع قرن رشد تقریباً مداوم، دچار بحران شد، جستجوی راه‌حلهای دیگر درباره‌ی غایتها و ارزشها را منتفی نکرد. آنچه ظهور می‌یابد، آگاهی از پیچیدگی جهان است. جهانی که در آن نظامهای بوم‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به صورت تفکیک‌ناپذیر در هم می‌آمیزند. علمی که از پیچیدگی متولد می‌شود، درصدد بهبود برداشتها از نظم و پریشانی، حتمیت و اتفاق است؛ برای اینکه کره‌ی زمین قابلیت بیشتری برای زندگی ساکنان آن داشته باشد، لازم است از تفکر تمام فرهنگها کمک گرفته شود.^۲ آموزش و پرورش تطبیقی دانشی است که بستر شناختی و عملی لازم را برای این مهم فراهم می‌آورد.

محمد یمنی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

خرداد ۱۳۸۶

1. Le Thanh Khoi, "l'Europe et le monde" in *Eduction and the Structuring of the European Space*, (edited: A. M. Kazamias, Sirios ed, Athens/1998, pp. 37-64).

و نیز مراجعه شود به: سید حسین نصر، علم و تمدن در اسلام، ترجمه‌ی احمد آرام، انتشارات

علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷-۱۷۰.

۲. لوتان کوی، همان، ص ۲۱.

مقدمه مترجم

تجزیه و تحلیل و شناخت نظامهای آموزشی از سه نظر اهمیت دارد: نخست اینکه سبب پیشرفت دانش بشری در زمینه شکل‌گیری و تحول نهادها و پدیده‌های آموزشی می‌شود و کمک می‌کند تا رفتارهای آتی «پیش‌بینی» شود. دوم اینکه سبب می‌شود نقاط قوت و ضعف و راه‌حلهای مشابه و متفاوت آنها شناخته شود و همچنین تجارب آموزشی موفق و ناموفق مشخص شود. سوم اینکه شناخت فرهنگهای مختلف آموزش و پرورش تطبیقی به تفاهم بین‌المللی کمک می‌کند.

آیا می‌توان تجربه آموزشی موفق کشوری را در کشوری دیگر به کار برد؟ برای مثال تا چه حد تجربه ژاپن در مورد خصوصی کردن آموزش متوسطه و نیز واحدی کردن آن می‌تواند در اصلاحات آموزشی ایران مورد استفاده قرار گیرد؟ آیا آموزش و پرورش تطبیقی می‌تواند نسخه‌های آماده‌ای را از جانب نظامهای آموزشی موفق به نظامهای آموزشی ای که با تنگناهای زیادی مواجه‌اند ارائه دهد؟

در تاریخ آموزش و پرورش تطبیقی مفهوم اقتباس فرهنگی جای بس مهمی داشته است به نحوی که «تطبیق‌گران» اولیه مانند ویکتور کوزن و ژولین دوپاری تأکید زیادی در این باره داشته‌اند. در نیمه اول قرن بیستم متفکرانی نظیر سادلر مفهوم اقتباس فرهنگی یا «استفاده از یک نظام آموزشی در جامعه‌ای دیگر» را زیر سؤال بردند: «اموری که در خارج از مدرسه قرار دارند از اموری که در درون آن قرار دارند مهم‌ترند؛ آنها توضیح‌دهنده و توجیه‌کننده اینها هستند». با این بیان، سادلر معتقد بود که مدرسه تنها نهاد آموزشی نیست؛ عمل آموزش و تربیت یک عمل تام است و نظام آموزشی تنها بخشی از آن را عهده‌دار است؛ اگر آموزش و پرورش ملتی دارای ویژگیهای خاصی است به این دلیل است که جامعه آن چنین ایجاب

می‌کند. این استدلال سادگر سبب شد که جامعه به صورت یک چهارچوب مرجعی برای توضیح مدرسه درآید: هر نظام آموزشی به تصویری از منش ملی جامعه مربوط است. این طرز فکر که متفکران دیگری نظیر کندل و هانس نیز بر آن تأکید داشتند، مدت‌ها آموزش و پرورش تطبیقی را با مشکل مواجه ساخت و سبب شد پویایی فرهنگها و تأثیرات کشورها بر یکدیگر از نظر دور نگه داشته شود. بدون اینکه مفهوم منش ملی همیشه از طریق عمل اجتماعی - آموزشی تأیید شود، چگونه می‌توان چند شکلی محدود نظامهای آموزشی در کشورهای افریقایی را با ارجاع به منش ملی توضیح داد؟ با تکیه بر منش ملی می‌توان گفت که در افریقا باید به تعداد ملتها، نظامهای آموزشی وجود داشته باشد (چیزی که حقیقت ندارد). بنابراین، عوامل دیگری غیر از منش ملی در شکل‌گیری و تحول نظامهای آموزشی دخالت دارند که به خارج از جامعه نیز مربوط می‌شوند.

ناتوانی در توضیح پدیده‌های آموزشی از طریق منش ملی سبب شد عصر جدیدی در آموزش و پرورش تطبیقی آغاز شود که در آن بر تحلیل نظامهای آموزشی در بطن زمینه‌های ملی و جهانی تأکید می‌شود. آموزش و پرورش نه تنها بُعد بین‌المللی پیدا کرد بلکه تبدیل به یک علم بین‌رشته‌ای شد که تخصصهای مختلف را برای درک موضوع خود، در خود جای می‌داد. بدین ترتیب آموزش و پرورش تطبیقی ارتباط فرهنگها با نظامهای آموزشی را در بستر کاوش فرهنگی مورد توجه قرار داد. منش ملی مفهوم خود را از دست داد و «زمینه‌های شکل‌گیری نظامهای آموزشی» جای آن را گرفت و مفهوم «زنده بودن» نظامهای آموزشی که سادگر مطرح می‌کرد در ارتباط با جامعه ملی و جامعه جهانی دوباره ولی عمقی‌تر مورد توجه قرار گرفت.

مروری بر کتابهای کلاسیک آموزش و پرورش تطبیقی نشان می‌دهد که تحلیل‌های اغلب تطبیق‌گران (مانند کندل، هانس و بردی) متأثر از نظریه‌های اروپایی‌گر است. نگرشی انتقادی برای ارائه نظریه‌ها به دور از پیش‌داوریها و جهت‌گیریهای فکری می‌تواند راهگشای درک صحیح از موضوع و روشهای مورد

استفاده در آموزش و پرورش تطبیقی باشد. این کار را پروفسور لوتان کوی استاد ممتاز دانشگاه سوربن انجام داده است. او سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه و با چه ابزار مفهومی می‌توان نظامهای آموزشی مختلف را با توجه به زمینه‌های فرهنگی متفاوت تحلیل کرد. پس از بیان سیر تحول آموزش و پرورش تطبیقی، نظرات دانشمندان این رشته و پایگاه علمی این رشته نقد و بررسی می‌شود. بخش اول «موضوع» و بخش دوم «روشها و فنون» آموزش و پرورش تطبیقی را به تفصیل معرفی و بحث می‌کند.

اهمیت این کتاب علاوه بر نشان دادن موضوع، روشها و فنون با به کارگیری مثالهای عینی از کشورهای مختلف در این است که نویسنده با بررسی تفاوت‌های فرهنگی نشان می‌دهد که مفاهیم استفاده شده در فرهنگهای اروپایی می‌تواند در جوامع غیراروپایی به نحو دیگری درک شود؛ بنابراین در این مقایسه لازم است این تفاوتها مورد توجه خاص قرار گیرد. از دیگر ویژگیهای کتاب حاضر، ژرف‌نگری و آینده‌نگری نویسنده آن است؛ او با بررسی آموزش و پرورش کشورهای سوسیالیستی سابق، دید محدود نظریه‌پردازان آنها را نشان می‌دهد: اینکه چگونه امکان دارد جامعه‌ای سوسیالیستی به جامعه‌ای سرمایه‌داری رجعت پیدا کند (ص ۴۴۰)، اینکه مارکس و انگلس نمی‌توانستند شناختهایی فراتر از زمان خود داشته باشند و بسیاری از شناختهای آنها امروزه کنار گذاشته شده است (ص ۴۵۲) و اینکه چگونه قدرتهای «سوسیالیست علمی» از درک واقعیتها به دور بوده‌اند (ص ۴۵۵).

زمانی که مؤلف به بررسی تأثیر «روساخترها» در تحولات اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد می‌نویسد: «جدیدترین انقلاب، یعنی انقلاب ایران، نشان می‌دهد که تا چه حد مارکس نقش *ایمان* را به عنوان بُعد اساسی روح انسانی و محرک تاریخ از نظر دور داشته است». (ص ۴۵۷). او در نقد نظرات مارکس خاطر نشان می‌سازد که عوامل تاریخی و فرهنگی در برخی از جوامع نقش مهم‌تری نسبت به عوامل اجتماعی و اقتصادی در تفسیر نابرابریهای آموزشی به عهده دارند. از نظر پروفسور لوتان کوی، آنچه از طریق عمل تأیید نشود باید کنار گذاشته

شود، دوباره ارزیابی و مجدد فرمول‌سازی شود. بین عمل و نظر رابطه رفت و برگشت وجود دارد؛ عمل حدود صحت نظر را نشان می‌دهد و نظر، عمل را به واقعیتها و حقایق نزدیک می‌سازد. در نهایت، تطبیق نظر با عمل سبب پیشرفت و جهشهای علمی می‌شود.

محمد یمنی دوزی سرخابی

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

سخنی از مؤلف برای ترجمه فارسی

جای بسی خوشبختی است که ترجمه فارسی کتاب خود را به مردمی معرفی می‌کنم که دارای سنت دیرینه در ارتباطات فرهنگی بین‌المللی هستند. این کتاب نظرات مؤلف را در مورد جایگاه، موضوع و روش‌شناسی آموزش و پرورش تطبیقی ارائه می‌دهد. آموزش و پرورش تطبیقی به معنای دقیق کلمه یک میدان بررسی است تا یک رشته؛ زیرا اگرچه آموزش و پرورش تطبیقی دارای موضوع است (مقایسه رویدادهای تربیتی در یک لحظه معین یا در طول زمان) فاقد مفاهیم و روشهای خاص است و از تمام علوم انسانی و اجتماعی، از جمله تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، تاریخ، اقتصاد، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و زبان‌شناسی کمک می‌گیرد. آموزش و پرورش تطبیقی بین‌رشته‌ای است. در یک تحقیق واقعی، موضوع - که خود ساخته می‌شود - مشی کلی و فنون را که باید به کار روند تعیین می‌کند؛ مشی و فنونی که نتایج را تعیین می‌کنند. لازم است که از این حتمیت متقابل آگاه باشیم تا از بی‌طرفی داده‌ها و فنون دفاع نکنیم و دچار نتیجه‌گیریهای خلاف واقع نشویم.

اگر من بر معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تأکید می‌کنم برای این است که آنها در آموزش و پرورش تطبیقی، همچون علوم دیگر، اعتبار تحقیق علمی را تحت تأثیر قرار می‌دهند: مسائل هر چه باشد اصول واحدی اتخاذ می‌شود (و مسائل مورد نظر تغییر می‌یابند همان‌طور که رویکردهای نظری و آنچه مربوط به عمل است تغییر می‌یابد). به موازات اینکه آموزش و پرورش تطبیقی توسعه پیدا می‌کند و بیش از پیش تجربه کشورها، فرهنگها و گروههای اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد، نقد مفاهیم، نظریه‌ها و روشهایی که بر مبنای تنها یک محیط - یعنی محیط جوامع صنعتی غرب - تدوین شده‌اند نیز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. عمل همیشه غنی‌تر از نظریه

است و باید آن را تقویت کند، حتی اگر تفسیر آن مشکل باشد و همیشه معیارهای غیرقابل ردی را فراهم نکند. با این وصف نمی‌توان از نظر دور داشت که آموزش و پرورش تطبیقی با وجود محدودیتهای خاص خود، به شناخت بهتر نظامهای آموزشی از طریق مطالعه دیگر نظامها، به بهبود احتمالی نظام ملی (آموزشی) و در سطح بالاتر، به فهم بین‌المللی و صلح کمک می‌کند.

در پایان اجازه می‌خواهم تعلق خاطر خویش را به فرهنگ هزاران ساله ایران ابراز نمایم، فرهنگی که من در طول مأموریتهای خود در این کشور به آن پی برده، نسبت به آن علاقه‌مندی خاصی پیدا کرده‌ام.

پاریس، فوریه ۱۹۹۲

لوتان کوی